

شماره: ۳۵

۲۳ محرم الحرام ۱۴۲۷

مجموعه مباحث اخلاقی

استاد معظم

حضرت آیت الله یثربی کاشانی «دامت برکاته»

مراتب بندگی

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين
ولعنة الله على أعدائهم أجمعين.

« يا من إذا سأله عبدٌ أعطاه وإذا أمّل ما عنده بلغه مناه وإذا أقبلَ عليه قرّبه
وأذناه وإذا جاهره بالعصيان ستر على ذنبيه وغطاه وإذا توكل عليه أحسبه وكفاه» .
بحث در مورد مناجات الراجين را جلسه قبل شروع کردیم . مقداری در خود
عنوان مناجات که رجا و امیدواری است صحبت کردیم . در این جلسه به توضیح
دیگر فرازها خواهیم پرداخت و سوالاتی از قبیل سوالات ذیل را پاسخ خواهیم گفت .
واقعاً چرا ما باید به خدا امیدوار باشیم ؟ وجه امید به خدا چیست ؟ آیا این امیدواری
به هر صورتی که باشد و امیدوار هر کسی که باشد به امیدش می رسد ؟ آنچه که از این
عبارات زیبا و دلنشین امام سجاد عليه السلام استفاده می شود این است که پاسخ گرفتن و
رسیدن به امید و آرزو ، دست یابی به آنچه دل به آن بسته است ، یک رمزی دارد . آن
رمز عبارت از این است که امام عليه السلام می فرماید : « يا من إذا سأله عبدٌ » اگر کسی به
مرتبه عبودیت و بندگی رسید و در این مرتبه سؤال کرد آنگاه جواب می گیرد . پس

این گونه نیست که «إِذَا سَأَلَهُ انْسَانٌ، إِذَا سَأَلَهُ بَشَرٌ، إِذَا سَأَلَهُ رَجُلٌ، إِذَا سَأَلَهُ امْرَأَةٌ، إِذَا سَأَلَهُ خَلْقٌ مِنَ الْخَلْقِ» بلکه فقط «إِذَا سَأَلَهُ عَبْدٌ» اگر عبودیت محقق شد قطعاً اگر سؤال کند پاسخ سؤالش را می گیرد و به آرزویش می رسد. امام علیه السلام در این فراز از دعا می فرماید اگر کسی یک قدم به سمت خداوند بردارد او این شخص را در آغوش می گیرد و اگر گناه کار باشد خداوند گناهانش را می پوشاند و آبرویش را حفظ می کند و هنگامی که به او توکل کند خداوند تنهایش نمی گذارد. خداوند می فرماید: ﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾^(۱) یعنی هر کس به خداوند توکل نماید، کفایت امرش را می کند.

معنای عبودیت

در این دعا امام علیه السلام بر مفهوم عبودیت تأکید دارند و تمام مفاهیمی را که طرح می نمایند بر اساس معنای عبودیت است لذا به توضیح معنا و مفهوم عبودیت در روایات اهل بیت علیهم السلام می پردازیم.

در آن روایت معروف عنوان بصری که اغلب محدّثین نقل کرده اند مرحوم مجلسی رحمته الله سبب طبری در مشكاة الانوار نقل می نماید. عنوان بصری ظاهراً شاگرد مالک بوده لذا حضرت او را به حضور نمی پذیرفته است. او نیز به خداوند متوسل شده و از خدا می خواهد که دل حضرت با او نرم شود (ظاهراً عدم پذیرش از طرف امام علیه السلام برای تأدیب او صورت گرفته است) به هر حال به محضر امام علیه السلام رسید. حضرت فرمودند:

۱ - سورة طلاق، آیه ۲.

چه می‌خواهی؟ گفت می‌خواهم مطلبی بیاموزم. حضرت فرمودند: «ليس العلم بكثره التعليم والتعلم، أما العلم نورٌ يقذفه الله في قلب من يشاء» اینها مقدمه بود تا اینکه به او فرمودند: تو اگر می‌خواهی علم بیاموزی باید عبد بشوی.

عنوان بصری گفت حقیقت عبودیت چیست؟ حضرت فرمودند: «حقیقة العبودية ثلاثة اشياء» «أن لا يرى العبد لنفسه في ما خوله الله ملكاً لأن العبيد لا يكون لهم ملك يرون المال مال الله يضعونه حيث امرهم الله به»^(۱) امام عليه السلام در این روایت نسبتاً طولانی به ذکر مراتب عبودیت می‌پردازد. امام عليه السلام می‌فرماید: حقیقت عبودیت سه چیز است. اول آنکه عبد آنچه را که خداوند به او عنایت نموده است، ملک تام خود نداند زیرا بندگان مالک چیزی نمی‌شوند و وقتی آنچه خدا به انسان عطا نموده است را ملک خداوند دانست، آنرا در جایی هزینه می‌کند که خداوند به او دستور داده است. در واقع امام عليه السلام در این قسمت این نکته را روشن می‌سازد که انسانی که می‌خواهد عبد و بنده خدا باشد و به مرتبه عبودیت نایل آید، نباید احساس مالکیت مطلق نسبت به آنچه خدا مالک اصلی آن است و به طور امانت چند روز دنیا در اختیار او است داشته باشد. خداوند خانه ماشین و ... به ما عنایت نموده، نباید آنچه او در اختیار ما قرار داده است را ملک مطلق خود بدانیم. به عبارت دیگر امام عليه السلام می‌فرماید عبد باید امانتدار و صندوقدار مولی باشد.

واقعاً اگر شما امانتدار و صندوق دار شوید و کسی مالی را در اختیار شما بگذارد و بعد هم حواله کند که اینگونه مصرف کن، آیا شما بخل می‌کنید؟ تخلف

۱- بحار الانوار، ج ۱ ص ۲۲۴.

کرده ایم و امین و امانتدار مناسبی نبودیم و لذا اگر خدا به ما امر کرده، زکات و خمس مال را بدهیم و یا انفاق کنیم، اگر خدا به ما فرموده ایثار کنیم - ایثار مرتبه اخص از همه است یعنی خودت هم اگر کم داری دیگری را ترجیح بده - در پی بیان اعمالی است که محبوب خدا است و در واقع دستور داده تا از مالی که خود او بطور امانت در اختیار ما قرار داده است هزینه کنیم. خدا دوست دارد اگر سائلی آمد و دست دراز کرد او را دست خالی رد نکنیم. این یک وصف مطلوبی است که خدا برای مسلمین صدر اسلام ذکر می کند که خود نداشتند و در تنگنا بودند، اما برادران خود را بر خود مقدم می داشتند و خداوند این رفتار را بعنوان یک امتیاز برای مسلمانان ذکر می کند.

امام علیه السلام دومین مرتبه عبودیت را اینگونه بیان می کند که «ولا یدبر العبد لنفسه تدبیراً» گام دوم در طی مراتب عبودیت این است که برای خود تدبیری ندارد مگر آنچه را که رضای الهی است. این پله با پله اول خیلی فاصله دارد و خیلی بالاست. معنای اینکه عبد هیچ تدبیری برای خود نمی کند چیست؟ یعنی در مقام رضای مطلق باشد آنچه خدا می پسندد همان مطلوب است اگر بلا، بیماری یا مصیبتی بر او وارد می شود این را از باب اینکه همه هدیه از جانب اوست دوست داشته باشد. نقل شده: یکی از اوتاد را در خواب دیدند گفتند اوضاع چگونه است؟ گفت اوضاع خوب است ولی از این خوبتر هم می شد، پشیمانم. گفتند: چرا؟ گفت: خدا بلاهایی در زمان حیات می فرستاد و من با دعا و توسل این بلاها را دفع می کردم ولی الآن می فهمم اگر تحمل کرده بودم مرتبه ام خیلی بالاتر بود.

این مرتبه مرتبه راضی بودن به رضای الهی است که بنده آنچه که خدا برای او مقدر نموده و اراده کرده را می‌پسندد این مرتبه رضای مطلق است و این را در روز عاشورا به وضوح می‌توان دید امام حسین علیه السلام هنگامی که تنها مانده بود تمام یاران را از دست داده و در حال شهادت بود صورت بر خاک گذارده می‌فرمود: «الهی رضاً برضائك تسليماً لأمرک لا معبود سواک» امام علیه السلام نمی‌فرماید: «لا رب سواک یا لا اله سواک» در واقع امام علیه السلام می‌فرماید: من عبد مطلق ام و تو معبود مطلق و اقتضای عبودیت این است که بگویند «رضاً برضائك» یعنی کسی در مقابل معبود مطلق عبد گردید در این مرتبه راضی است به رضای الهی که در رفتار امام حسین علیه السلام در روز عاشورا کاملاً این عبودیت و رضایتمندی متجلی است.

مرتبه سوم و گام سوم در عبودیت به تعبیر امام صادق علیه السلام در ادامه این روایت این است که «وجملة اشتغاله في ما أمره الله تعالى به ونهاه عنه» امام علیه السلام می‌فرماید در مرتبه سوم عبودیت تمام اشتغال و هم و غم عبد آن است که خود را مشغول اطاعت و امتثال اوامر و نواهی الهی می‌نماید. اگر بنده می‌خواهد یا در حال استراحت است و یا به سایر اشتغالات جسمی مشغول است به حکم اینکه امر خداست عمل می‌کند و از آنچه خدا فرموده پرهیز می‌کند. تمام لحظات عمرش صرف در اتیان اوامر الهی و پرهیز از محرّمات خداست.

امام علیه السلام در توضیح این سه تا پله، که دخل تام در عبودیت دارند بیان خاصی دادند که طی آن به تکمیل و توضیح و تعلیل سه مرحله یاد شده می‌پردازند. «فإذا لم يرى العبد لنفسه فيما حوّل الله تعالى ملكاً هان عليه الإنفاق في ما أمره الله تعالى

أن ينفق فيه» اگر در مرحله اول عبد آنچه را در اختیار دارد ملک تام و تمام خود نداند بلکه آنرا امانت الهی بداند آنگاه انفاق و بخشش آن در راه رضای خدا برای او آسان و سهل می‌گردد. در واقع در این قسمت امام علیه السلام نتیجه و حاصل التزامات اولیه را بیان می‌فرماید «وإذا فوض العبد تدبير نفسه على مدبره هان عليه مصائب الدنيا» در این مرحله عبد اگر تمام تدبیر امور خود را به خداوند واگذار کرد آنگاه تحمل مصائب دنیا که بر او وارد شده است، آسان می‌گردد.

اگر کسی گفت خدایا من راضی به رضای تو هستم و هر چه تو دوست داری همان محبوب من است، آنگاه تحمل تمام سختی‌ها لذت بخش می‌گردد. اگر تو دوست داری من مریض باشم من هم دوست دارم مانند ایوب.

اگر به این مرتبه رسید همه مصیبت‌های دنیا برایش سهل می‌شود. خدایا تو دوست داری من در زندگی دچار مشکلات اقتصادی باشم، من این فقری را که تو بر من پسندیده‌ای می‌پسندم. رسیدن به این مراتب کار مشکلی است. ولی ما در حال بیان حقیقت عبودیت هستیم.

حاصل سومین مرحله این است که «إذا اشتغل العبد بما أمره الله تعالى ونهاه لا يتفرغ منها إلى المراء والمباهات مع الناس» اگر اوقات خود را اینگونه تنظیم نمود که تمام لحظات و آنات عمرش یا صرف اطاعت باشد و یا در مقام تورع و پرهیز از منهیات الهی، آنگاه دیگر وقت اینکه دنبال فخر فروشی و کبر و مباهات نسبت به سایر بندگان خدا باشد را نخواهد داشت. زیرا همه اینها ممنوع است و فرض این است که او اوقاتش را به گونه‌ایی تنظیم کرده است که یا اتیان واجبات یا

پرهیز از محرمات کند پس دیگر مرء و مجادلۀ با مردم، لباس پوشیدن، خانه خریدن، وسیله فراهم کردن برای فخر فروختن بی معنا خواهد بود چون سقوط از مرحله عبودیت است «فإذا اکرم الله العبد بهذه الثلاث هان عليه الدنيا وابليس والخلق» اگر واقعاً این سه پله را طی کرد و این سه موهبت که تحصیل آن بسیار سخت می باشد به انسان عطا شد، آنگاه دنیا برای او کوچک و بی ارزش می شود شیطان دیگر حریف این آدم نمی شود. کسی که هر چه رضای الهی است رضای اوست، کسی که همه آنچه را که دارد از آن خدا می داند و کسی که تمام آناش صرف اطاعت خدا و تورع از محرمات است؛ شیطان از کدام راه می خواهد وارد شود. شیطان دلیل می شود خلق خدا هم پیشش قیمتی ندارد مگر از باب ارتباط با خدا. «ولا يطلب الدنيا تكاثراً و تفاخراً» کسی که به مرحله عبودیت رسیده است اهل دنیا طلبی و زیاده خواهی و زراندوزی و فخر فروشی با دنیا نیست اگر دنیا می خواهد به اندازه نیاز و آنقدر که زندگی عزت مندانه داشته باشد، می خواهد. از زرق و برق دنیا برای به دست آوردن عزت ظاهری دنیا استفاده نمی کند. معصوم علیه السلام در این رابطه می فرماید: «من أراد عزّاً بلا عشيره و غناً بلا مال و هيبه بلا سلطان فليخرج من ذل معصية الله على عز طاعته»^(۱) هر کس بدون قوم و قبیله عزت می خواهد، بی نیازی می خواهد بدون مال و ثروت و هیبت می خواهد بدون قدرت و غلبه باید از ذلت معصیت خداوند خارج و به عزت طاعت الهی وارد شود. اگر عزت هم می خواهد با طاعت الهی است نه با جمع آوری مال و ثروت و مقامات

۱- بحار الانوار، ج ۶۸ ص ۱۷۸.

موهوم . مقاماتی که خیالی است رئیس کجا شدن ، مسئول فلان قسمت شدن اینها توهمات و تخیلات است .

« ولا يطلب عند الناس عزّاً وعلوّاً ولا يدع ايامه باطلاً »^(۱) لحظه‌ای از

لحظات عمرش را به بطالت نمی‌گذارند حتی اگر به تفریح هم مشغول است از ذکر خدا غافل نمی‌باشد و سعی او بر این است که از خلاف شرع در هر حال پرهیز کند .

« هذا أول درجة المتقين » ﴿ قَالَ اللَّهُ تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوّاً فِي

الْأَرْضِ وَلَا فُسَاداً وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴾^(۲) امام علیؑ طی این سه مرحله عبودیت را اولین

درجه متقین می‌داند و بعد از آن به قول خداوند استشهد می‌کند که می‌فرماید : این

سرای آخرت را تنها برای کسانی قرار می‌دهیم که اراده برتری جویی در زمین و فساد را ندارند

و عاقبت نیک برای پرهیزکاران است . بنابراین برای رسیدن به اولین مرحله متقین باید

از خوانندگی عبودیت گذشت . آنچه ارزشمند است و در سرای آخرت مفید فایده ،

تقوی الهی است . آنچه که آنسوی عالم باعث مالکیت سعادت ابدی می‌گردد اصل و

اساس آن عبودیت است . طبعاً از آنچه بیان شد استفاده می‌شود که برای عبودیت

باید سرزمین دل آماده باشد و آنچه خریدنی و پربها است دلی است که از پاکی لیاقت

این عطیه الهی را پیدا کرده است .

در پایان سخن جهت روشن تر شدن مرتبه عبودیت به ذکر یک روایت و

مقایسه مقام نبوت و رسالت با عبودیت می‌پردازیم پیامبر گرامی اسلام ﷺ

۱ - مشکات الانوار ، ص ۳۲۵ .

۲ - سوره قصص ، آیه ۸۳ .

فرمود: «ان الله بعث اليّ ملكاً من الملائكة ومعه جبرئيل» فقال: ان الله يخيرك بين أن تكون عبداً نبياً، وبين أن تكون ملكاً فالتفت رسول الله ﷺ، إلى جبرئيل كالمستشير؟ فأشار بيده أن تواضع فقال رسول الله ﷺ: «لا، بل أكون عبداً نبياً»^(۱) رسول خدا ﷺ طبق این روایت، عبودیت را انتخاب نمود. عبودیت مقام و درجه‌ایی است که از نبوت و رسالت بالاتر است زیرا عبودیت رابطه‌ایی است بین انسان و خداوند و نبوت رابطه‌ی نبی و خداوند است و رسالت رابطه‌ی پیامبر و نبی و خدا با امت است.

و شاهد قرآنی که بتوان بر آن اقامه نمود این است که خداوند می‌فرماید:

﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ﴾^(۲).

پاک و منزّه است خدایی که بنده‌اش را در یک شب از مسجد الحرام به مسجد الاقصی برد.

یعنی معراج که تجلی یکی از کمالات پیامبر بود به خاطر رسیدن او به اعلی درجه عبودیت بود زیرا خداوند نفرمود اسری بنبیّه یا رسوله، بلکه عبودیت را علت معراج ذکر کرده است.

«وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ»

« ۸۴/۱۲/۳ »

۱- عوالی اللثالی، جلد ۱ صفحه ۱۸۵.

۲- الأَسْرَاء: ۱.

اگر اوقات خود را اینگونه تنظیم نمود که تمام لحظات و آنات عمرش یا صرف اطاعت باشد و یا در مقام توّرع و پرهیز از منہیات الهی، آنگاه دیگر وقت اینکے دنبال فخر فروشی و کبر و مباهات نسبت به سایر بندگان خدا باشد را نخواهد داشت. زیرا همه اینها ممنوع است و فرض این است که او اوقاتش را به گونه‌ایی تنظیم کرده است که یا اتیان واجبات یا پرهیز از محرمات کند پس دیگر مرء و مجادلہ با مردم، لباس پوشیدن، خانه خریدن، وسیله فراهم کردن برای فخر فروختن بی معنا خواهد بود چون سقوط از مرحلہ عبودیت است

محل برگزاری جلسات :

چهار راه شهدا - خیابان معلم - کوچه معلم ۱۴ - پلاک ۸

تلفن ۷۷۳۲۳۶۷ و ۷۷۴۹۱۶۰ - نمابر ۷۷۴۳۹۱۹

